اعتماد
سیاست نامه
info@etemadnewspaper.ir

سپاه در یک مقطعی به دلیل ضرورتی که حس می‌کرد برای دفاع از تمامیت ارضی کشور در کوتاه‌ترین زمان ماهیت نظامی پیدا کرد تا جایی که خیلی‌ها تصور کردند سپاه یک مجموعه صرفا نظامی است در حالی که این تصور درستی نیست سپاه بیشتر یک نهاد است تا یک سازمان؛ چون سازمان در واقع یک مجموعه‌یی است دارای یک ساختار مشخص و منسجم و تعریف شده‌یی که کمتر دچار تغییر و دگرگونی می‌شود. اما نهاد به اقتضای نیازها ممکن است تغییر ساختار بدهد

سردار یدالله جوانی
مشاور نماینده ولی فقیه در سپاه در گفت‌وگو با «اعتماد»:

در پاسداری از انقلاب محافظه‌کار نیستیم

سپاه صد در صد نظامی است اما صد در صد چیزهای دیگر هم هست

عکس: مریم مجد/ اعتماد

■ شاید بهتر باشد برای ورود به بحث ابتدا به جایگاه نیروهای مسلح و به‌طور مشخص «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» در قانون اساسی بپردازیم. در واقع از منظر قانون اساسی نیروهای مسلح در قانون اساسی از چه جایگاهی برخوردار هستند و حدود و ثغور آن کجاست؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم. در ابتدا لازم می‌دانم یاد و خاطره همه شهدای انقلاب اسلامی و شهیدان دفاع مقدس را گرامی بداریم و امیدوارم که بتوانیم ادامه‌دهنده راه شهیدان‌مان باشیم و آرمان‌ها و اهداف آنها را محقق و دستاوردهای آنها را که عزت و استقلال ملت ایران از مهم‌ترین آنها هست حفظ کنیم. در بحث جایگاه نیروهای مسلح در قانون اساسی لازم است نکته‌یی را اشاره کنم و آن اینکه هر جامعه‌یی اگر بخواهد ماندگار باشد ناگزیر است سیاسی باشد و لذا ما جامعه‌یی غیر سیاسی را نمی‌توانیم در جایی پیدا کنیم. جامعه سیاسی یعنی جامعه‌یی که برخوردار از حاکمیت و دستگاه‌های حکومتی است و یکی از مهم‌ترین وظایف این دستگاه‌ها تامین امنیت است. در واقع فلسفه پیدایش حکومت‌ها و دولت‌ها یکی از مهم‌ترین دلایلش به همین ضرورت تامین امنیت جوامع برمی‌گردد. دولت‌ها در گذر زمان به این جمع‌بندی رسیدند که باید از نیروهای نظامی و انتظامی برای تامین امنیت ملی و داخلی برخوردار باشند چرا که اساسا پیشرفت جوامع در گرو برخورداری آنها از امنیت است. قبل از انقلاب اسلامی کشور ما از واحدهای نظامی و انتظامی برخوردار بود و بعد از انقلاب با تحولی که پدید آمد در قانون اساسی ما به این موضوع توجه خاصی شد. در فصل نهم قانون اساسی ۹ اصل مشخصا به جایگاه و اهمیت نیروهای مسلح پرداخته است. هفت اصل از این اصول ۹ گانه مربوط به ارتش جمهوری اسلامی ایران، یک اصل مربوط به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و اصل دیگر آن هم مربوط به بسیج و نیروهای مردمی می‌شود. در واقع از آنجا که حفاظت از جامعه اسلامی وظیفه دینی و شرعی همگان است، اصل یکصد و پنجاه و یک قانون اساسی ما به این مساله اختصاص یافته است. اما نکته قابل توجهی که وجود دارد این است که بحث ارتش و سپاه پاسداران در قانون اساسی اگر به خوبی مورد توجه قرار بگیرد، مشخص خواهد شد که بین آنها یک تفاوت رسالتی وجود دارد. چون برای برخی‌ها ممکن است این سوال پیش بیاید یک کشور چه نیازی می‌تواند به دو ارتش داشته باشد؟ بسیاری از شبهاتی هم که در این خصوص مطرح شد منشا آن همین تلقی‌هایی است که به باور برخی سپاه تکرار ارتش جمهوری اسلامی است. بر همین اساس در یک مقاطعی، برخی افراد به خاطر صرفه جویی در هزینه‌ها و برخی مسائل دیگر، پیشنهاد می‌کردند که سپاه و ارتش در یکدیگر ادغام شوند. اما اگر دقت کنیم می‌بینیم فلسفه وجودی سپاه با ارتش اساسا متفاوت است. رسالت ارتش جمهوری اسلامی دفاع از استقلال و تمامیت ارضی و همچنین حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران است. اما در اصل یکصد و پنجاهم قانون اساسی که مربوط به سپاه پاسداران است می‌بینیم که از منظر دیگری به آن نگاه شده است. در واقع سپاه پاسداران رسالت و وظیفه پاسداری و نگهبانی از انقلاب اسلامی را بر عهده دارد و حدود و ثغور آن را هم قانون مشخص کرده است. یعنی اگر در ارتش رسالت حفظ نظام و حفاظت از استقلال و تمامیت ارضی کشور است، در خصوص سپاه رسالت نگهبانی از انقلاب اسلامی و حفظ ارزش‌ها و دست‌آوردهای آن است. شما ببینید امام (ره) می‌فرمایند انقلاب ما سرآغاز انقلاب بزرگ جهانی اسلام است. یعنی امام از منظر رسالت دینی، پیامبر گونه به عنوان کسی که مسوولیتی را احساس می‌کنند، به این صحنه نگاه می‌کنند. اجازه بدهید یک مثالی بگویم. وقتی پیامبر عظیم الشان اسلام(ص) مبعوث به رسالت شدند، دینی را که ما به عنوان اسلام آوردند، مربوط به شبه جزیره عربستان نبود بلکه اسلام یک دین جهانی بود. ارزش‌های انقلاب اسلامی هم جهانی است. شما ملاحظه کنید، وقتی بحث صدور انقلاب اسلامی یا ارزش‌های آن و ایستادگی در مقابل ظلم و ظالم به عنوان یک تکلیف مطرح می‌شود، متفاوت از آن خواهد بود که ما بخواهیم یک تکلیفی را محدود به یک سرزمین و مرزهای آن بکنیم. شکل دهی به نظام جمهوری اسلامی در قلمرو سرزمینی ایران، تنها یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی ما بود. اما انقلاب اسلامی یک انقلابی نیست که بخواهد در مرزهای جغرافیایی ما محدود بماند. انقلاب ما یک پیام است که مبتنی بر اصول و مبانی خاصی شکل گرفته است. در واقع بر اساس قانون اساسی، آرمان نظام سیاسی ایران سعادت نوع بشر در روی کره زمین است. ما نسبت به همه ملت‌ها باید احساس مسوولیت کنیم. جمله‌یی که مولا امیرالمومنین (ع) می‌فرمایند، «کونوا للظالم خصما وللمظلوم عونا»، معنی‌اش این است، ما برای اینکه شیعه ایشان باشیم، باید با ظلم و ستم مقابله داشته باشیم؛ چه ظلمی که در نزدیکی و مثلا به همسایگان ما می‌شود و چه ظلمی که در دوردست‌ها عمال می‌شود. البته بدیهی است که توقع از یک انسان برای وظیفه‌یی که باید انجام بدهد، وسعش است. اما ما هم مامور شده‌ایم که «وأعدوا لهمْ ما اسْتطعْتمْ منْ قوةٍ» که خودمان را توانمند بکنیم. مأموریم که دین خدا را گسترش بدهیم و اسلام را منتشر کنیم و از خودمان دفاع کنیم. اسلام دینی نیست که بخواهد از طریق زور و شمشیر گسترش یابد، بلکه اسلام منطق دارد. اما تجربه ثابت کرده وقتی پرچم حق برافراشته می‌شود، صدای ظالمان و ستمگران در می‌آید. نمونه‌اش هم، همین جنگ هشت ساله‌یی بود که بر کشور ما تحمیل شد. فلذا جمهوری اسلامی یک نظام سیاسی است که در واقع، دستاورد انقلاب اسلامی است. حالا همانطور که در قانون اساسی آمده است، سپاه پاسداران وظیفه حفاظت و صیانت از انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن را بر عهده دارد. برای فهمیدن این اصل لازم است به منابع دیگر هم مراجعه کنیم. یکی از این منابع، اساسنامه سپاه است که مصوب مجلس شورای اسلامی است. از آنجایی که نیروهای مسلح در کشور ما تحت فرماندهی فرمانده کل قوا و ولی فقیه هستند و اصلا قوای سه گانه هم تحت امر ولایت مطلقه فقیه هستند، طبق قانون مصوب در مجلس شورای اسلامی، دستورات، تدابیر و فرامین مقام معظم رهبری در حوزه نیروهای مسلح، بر قوانین موضوعه اولی است. درست مانند قوانین راهنمایی و رانندگی که دستور پلیس بر آن قوانین اولی است. در حوزه نیروهای مسلح از جمله سپاه پاسداران هم بر این موضوع تاکید شده است که در این خصوص تدابیر و فرامین فرماندهی کل قوا نسبت به قوانین موضوعه اولی هستند. یعنی اگر در جایی یک قانونی وضع شده باشد، اما فرماندهی کل قوا تدبیری را داشته باشند که در ظاهر تعارض با آن قانون دارد، دستور رهبری نظام بر آن قانون موضوعه اولویت دارد و البته این مساله‌یی کاملا طبیعی است و در کل دنیا هم وجود دارد.

■ خب شما در مورد جایگاه نیروهای مسلح و همچنین اهمیت سپاه پاسداران در قانون اساسی توضیحات مبسوطی دادید. مساله‌یی که مطرح است نسبت این نهاد با سیاست است. همان‌طور که می‌دانید با توجه به نظر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران نیروهای نظامی اعم از سپاه و غیره نباید در مسائل سیاسی ورود و دخالت کنند. اما از آن طرف می‌دانیم که برخی سپاهیان و فرماندهان ارشد آن تفسیر دیگری از وصیتنامه بنیانگذار جمهوری اسلامی دارند. به نظر شما سپاه با سیاست چه نسبتی دارد و شاید بهتر باشد بپرسیم چه نسبتی باید داشته باشد؟

قبل از اینکه به پاسخ این سوال برسم یک نکته‌یی را جهت تکمیل بحث قبلی‌مان باید اضافه کنم. با توجه به اصل یکصد و پنجاهم قانون اساسی، اساسنامه سپاه و رهنمودهای حضرت امام و مقام معظم رهبری سپاه پاسداران یک سازمان منحصر به فرد است که اساسا نمی‌توان آنها را با هیچ یک از سازمان‌ها و نهادهای دیگر مقایسه کرد. دلیلش هم این است که طبق اصل یکصد و پنجاه قانون اساسی سپاه حافظ و پاسدار انقلاب اسلامی است. هر چند ارتش وظیفه حفظ تمایت ارضی کشور را بر عهده دارد اما وقتی که دشمن به ما حمله می‌کند حفظ انقلاب و ارزش‌های آن در گرو حفظ تمامیت ارضی کشورمان است. به همین خاطر است که در هشت سال جنگ تحمیلی سپاه وظیفه خود را رفتن به جبهه‌ها و تلاش برای حفاظت از تمامیت ارضی کشورمان می‌داند. وقتی ضد انقلاب حرکت‌های منافقانه و تجزیه‌طلبانه خود را آغاز می‌کند باز این وظیفه سپاه پاسداران است که در این عرصه ورود پیدا کند. وقتی تروریسم داخلی به عرصه وارد می‌شود و دست به اسلحه می‌برد- همان‌طور که می‌دانید ما نزدیک به ۱۷ هزار شهید ترور داریم- باز این وظیفه سپاه است که وارد شود. در واقع باید گفت رسالت سپاه پاسداران حفظ و پیشبرد انقلاب و اهداف آن است و در هر مقطعی که ضرورتی اقتضا می‌کند، خود را موظف می‌داند به کمک دستگاهی بیاید که آن مسوولیت برایش تعریف شده است. برای همین است که سپاه در یک مقطعی در کنار ارتش، در جای دیگر در کنار هلال احمر و در وقت دیگری که لازم باشد ممکن است در کنار دستگاه دیگری قرار بگیرد. به همین دلیل است که حضرت آقا می‌فرمایند بعد نهادی سپاه بر بعد سازمانی آن غلبه دارد. در واقع سپاه بیشتر یک نهاد است تا یک سازمان؛ چون سازمان در واقع یک مجموعه‌یی است دارای یک ساختار مشخص و منسجم و تعریف شده‌یی که کمتر دچار تغییر و دگرگونی می‌شود. اما نهاد به اقتضای نیازها ممکن است تغییر ساختار بدهد. لذا سپاه در یک مقطعی به دلیل ضرورتی که حس می‌کرد برای دفاع از تمامیت ارضی کشور در کوتاه‌ترین زمان ماهیت نظامی پیدا کرد تا جایی که خیلی‌ها تصور کردند سپاه یک مجموعه صرفانظامی است در حالی که این تصور درستی نیست.

■ پس شما می‌گویید سپاه یک مجموعه نظامی نیست؟

مجموعه‌یی که فقط نظامی باشد نیست؛ یعنی سپاه صد در صد نظامی است اما صد در صد چیزهای دیگری هم هست. وقتی احساس شود که در حوزه نظامی ضرورتی برای انقلاب وجود دارد سپاه صد در صد در این حوزه وارد می‌شود. این به سپاه بر می‌گردد که چگونه باید از نظام و انقلاب دفاع کند. بر همین اساس گفته می‌شود امروزه رسالت سپاه در برابر سه نوع تهدید است؛ تهدید سخت، تهدید نیمه‌سخت و تهدید نرم.

■ خب شما می‌فرمایید سپاه سازمان نیست بلکه یک نهاد است...

من نگفتم سازمان نیست بلکه گفتم بعد نهادی سپاه بر بعد سازمانی‌اش غلبه دارد.

■ اما اینکه می‌فرمایید سپاه یک سازمان ساختارمند و تعریف شده نیست آیا به نوعی وجهه فراقانونی به آن نمی‌دهد که در عین کارکردهای مثبتی که دارد ممکن است برخی تبعات منفی را هم به همراه داشته باشد؟

ببینید اینکه می‌گوییم بعد نهادی سپاه بر بعد سازمانی آن غلبه دارد اصلا به این معنا نیست که هر کسی در هر کجا صاحب اختیار باشد و هر کاری که دلش بخواهد انجام بدهد. بلکه می‌گوییم سپاه در حوزه‌های مختلف ماموریت پیدا می‌کند. سپاه تحت فرمان فرماندهی کل قوا است. بحث این است که اگر ما بگوییم سپاه یک مجموعه صد در صد نظامی است آن وقت اگر یک مشکلی به لحاظ امنیتی برای کشور به وجود آمد و دستگاه‌های امنیتی به تنهایی قادر به حل آن مشکل نبودند سپاه باید وارد شود اما این وارد شدن نیازمند آمادگی است که زمان بر هم هست. اگر در حوزه تهدیدات نرم وضعیت خاصی به وجود بیاید ساختاری که برای شرایط دیگری تعبیه شده حالا برای ورود به مقابله با این تهدیدات زمان بر خواهد بود. این از ویژگی‌های منحصر به فرد سپاه است که طوری ساختار آن درست شده که این انعطاف‌پذیری را دارد. اما در عین حال تمامی اقداماتی که سپاه انجام می‌دهد در چارچوب قانون است و خود قانون این اختیار را به سپاه داده و این مسیر را برای آن تعریف کرده است. قانون اساسی می‌گوید سپاه وظیفه پاسداری از انقلاب اسلامی را بر عهده دارد. تهدیداتی که برای انقلاب وجود دارد ممکن است ماهیت متفاوتی با یکدیگر داشته باشند. اگر تهدید نظامی بود وظیفه سپاه مقابله نظامی است اما اگر تهدیدات دیگری از جنس جنگ نرم بود ما وظیفه خودمان می‌دانیم برای حراست و پاسداری از انقلاب وارد عمل شویم. درست است دستگاه‌های دیگری هم وجود دارند که باید در برابر این تهدیدات وظایف خودشان را انجام بدهند، اما آیا سپاه در این مساله وظیفه‌یی ندارد. آیا در جنگ نرم، سپاه به عنوان مجموعه‌یی که طبق قانون مسوول پاسداری از انقلاب شناخته شده است، نباید ورود کند؟ پس سازمان سپاه باید منعطف باشد. بنابراین سپاه باید بتواند از توانمندی و امکانات لازم برخوردار باشد تا در مقاطع حساس در برابر تهدیدات مختلف بتواند از انقلاب اسلامی پاسداری کند.

■ شما گفتید سپاه تنها در جایی وارد می‌شود که به او دستور داده شده است اما مواردی هم وجود دارد که این قاعده را نقض می‌کند و شاید نشان‌دهنده این باشد که برخی تفسیرها از وظایفی که قانون بر عهده سپاه گذاشته است اشتباه است. برای مثال می‌توان به انتخابات سال ۹۲ اشاره کرد که آقای هاشمی رفسنجانی بعد از داستان رد صلاحیت خود گفتند دو مقام امنیتی و نظامی به جلسه شورای نگهبان وارد می‌شوند و خواستار آن بودند که از تایید صلاحیت ایشان جلوگیری شود. از طرف دیگر یکی از مشاوران رییس‌جمهور فعلی نیز از عزم شورای نگهبان برای رد صلاحیت آقای روحانی - با کیفیتی که به نظر می‌رسد شبیه به رد صلاحیت آقای هاشمی بود- می‌گوید و تصریح می‌کند که اشاره رهبری مانع این کار شد.

من فکر می‌کنم شما مبتنی بر یک سری شنیده‌های بی‌پایه و اساس چنین قضاوتی را می‌کنید. اول ببینید اصل آنچه گفته شده است صحت دارد یا نه؟ یعنی آیا واقعا مقام امنیتی وارد جلسه شورای نگهبان شده است یا نه؟ ببینید اینکه یک نفر این مطلب را گفته و روی چهار سایت هم آمده باشد که نمی‌توان معیار قرار داد. آیا شما این مطلب را از یک مقام رسمی در شورای نگهبان شنیده‌اید؟

■ اما از دو مقام رسمی این مطلب را دیده‌ایم. یکی از آنها رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام است و دیگری مشاور رییس‌جمهور...

هر کسی اینگونه سخن بگوید به شورای نگهبان ظلم می‌کند. شورای نگهبان یک جایگاه قانونی دارد که در آن شش فقیه و شش حقوقدان هستند حالا اینکه ما خیلی راحت بیاییم بگوییم دو مقام امنیتی و نظامی وارد جلسه تخصصی آنها شده‌اند ظلم به شورای نگهبان است. حالا توصیه من به شما به عنوان یک خبرنگار جوان این است که شنیده‌های اینچنینی را خیلی محکم نگیرید که حالا بخواهید بر مبنای آن یک اخبار و تحلیلی را منتشر کنید. بحث ما روی مسائل اساسی در مورد سپاه پاسداران و رسالت‌های آن است. اتفاقا خوب است این موضوع برای خوانندگان شما در روزنامه اعتماد روشن شود. عرض کردم سپاه طبق قانون اساسی وظیفه دارد برای پاسداری از انقلاب اسلامی به همه حوزه‌ها وارد شود. این را هم گفتیم که ممکن است برخی مواقع علیه انقلاب اسلامی تهدیدات نرمی وجود داشته باشد. خب ما می‌بینیم در دوره سال‌های بعد از دوم خرداد سال ۷۶ مسائلی در کشور ما مطرح و منتشر شد که جای بحث جدی دارد. یکی از مسائلی که اتفاقا در روزنامه‌های زنجیره‌یی خیلی مطرح بود شعار «جامعه مدنی» بود. سوال من از شما به عنوان خبرنگار روزنامه اعتماد این است آن کسانی که شعار «جامعه مدنی» را در کشور مطرح کردند و گفتند الگوی پیشرفته جامعه مدنی، جوامع صنعتی غرب است...

■ چه کسی این را گفت؟

این مطلب را شما می‌توانید در روزنامه جامعه بخوانید. بروید مطالعه کنید.

■ چون «جامعه مدنی» را آقای خاتمی مطرح کردند.

ببینید اینکه آقای خاتمی این مساله را طرح کنند یک بحث است اما اینکه عده‌یی در دانشگاه‌ها و برخی محافل شروع به تعریف جامعه مدنی کنند و بگویند ما به دنبال فلان جامعه مدنی هستیم بحث دیگری است. ببینید آقای اکبر گنجی وقتی رفت در برلین چه مسائلی را آنجا مطرح کرد؟ وقتی خبرنگار «شپیگل» آلمان در مصاحبه‌یی از آقای گنجی می‌پرسد اصلاحاتی که شما در ایران به دنبالش هستید از چه نوعی است ایشان به صراحت می‌گوید اصلاحات در ایران به این معنا است که از این به بعد خمینی {امام خمینی (ره)} را باید در تاریخ مطالعه کرد.

■ شما منظورتان کنفرانس برلین است؟

بله دقیقا. حالا سوال من این است که اصلاح‌طلبان و کسانی مانند آقای خاتمی و آقای کروبی چه واکنشی نسبت به این صحبت آقای گنجی از خودشان نشان دادند؟ آیا کسی از این آقایان به گنجی گفت که شما غلط کردی که اصلاحات را این گونه تعریف می‌کنی؟ بلکه به عکس وقتی ایشان به کشور برگشتند و به دلایلی بازداشت شدند، اصلاح‌طلبان از ایشان حمایت کردند و به استقبالش رفتند و بعد از آزادی هم در منزلش حضور پیدا کردند. حالا بحث اینجا است که یک جریانی شکل گرفته که درصدد سکولاریزه کردن کشور آن هم با برخورداری از امکانات بیت‌المال است. آیا حقیقتا مردم ما در دوم خرداد به آقای خاتمی رای دادند که نظام دینی ما را یک نظام سکولار بکند یا تلقی مردم این بود که آقای خاتمی می‌خواهد مشکلات اقتصادی کشور را حل کند و مسائل جامعه را سامان بدهد؟ سپاه پاسداران چشم‌هایش باز است. وقتی بحث سکولاریزه کردن کشور مطرح شد سپاه وارد می‌شود و ما در همان مقطع شاهد هجمه‌های گسترده‌یی از سوی روزنامه‌های زنجیره‌یی به سپاه بودیم. عناصر سازمان مجاهدین انقلاب، جبهه مشارکت و روحانیون مبارز علیه سپاه همجه کردند و حرف شان هم این بود که سپاه پاسداران طبق وصایای امام (ره) اصلا نباید در این مسائل ورود پیدا کند بلکه باید به پادگان‌ها برود و اگر زمانی مرزها در خطر قرار گرفت از مرزهای کشور دفاع کند و ببینید بحث اصلی اینجا است؛ یعنی اساسا تفاوت نگاه وجود دارد. یعنی کسانی که سپاه را در این سال‌ها مورد هجوم قرار می‌دهند، یا سپاه را نمی‌شناسند یا با اغراض سیاسی دم از وصیتنامه امام می‌زدند و به شکلی دلسوزانه می‌گفتند امام مخالف دخالت سپاه در مسائل سیاسی بود و حالا چرا سپاه وارد سیاست شده است؟ اما از آن طرف دنبال آن بودند که امام (ره) را به تاریخ بسپارند.

■ خب حدود و ثغور این وظایف و مسوولیت‌هایی که می‌گویید کجاست؟ اجازه بدهید سوالم را دقیق‌تر بپرسم. سپاه خدمات زیادی برای کشور در طول سال‌های بعد از انقلاب داشته است. همان‌طور که اشاره کردید حضور تعیین‌کننده در جنگ تحمیلی گرفته تا ارایه خدماتی در کنار نهادهایی مانند هلال احمر. اما الان می‌خواهیم به این مساله بپردازیم که وقتی حیطه وظایف سپاه خیلی گسترده در نظر گرفته شود -آن‌طور که شما گفتید - و اختیاراتش هم هر چند به گفته شما قانونی است اما به نظر می‌رسد نوعی فراتر از قانون است و ممکن است بتواند توسط برخی افراد یا جریان‌ها مورد بهره‌برداری‌هایی قرار بگیرد که شاید با رسالتی که برای سپاه گفتید تطابق چندانی هم نداشته باشد. اتفاقا ما در تاریخ انقلاب شاهد افراد و جریان‌هایی هستیم که از نیروهای موثر سپاه بودند اما الان از آنها با عنوان «منافق» یا «خائن» نام برده می‌شود. به خصوص که این جریان‌ها هم اتفاقا برای توجیه رفتارهای خود از همین تعابیر استفاده می‌کرده‌اند و مثلا اقدامات خود را در راستای حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی و مسائل اینچنینی توجیه می‌کردند.

ببینید این مساله در همه جای دنیا مطرح است. این احتمال برای همه سازمان‌های دیگر هم وجود دارد و در مورد هیچ سازمانی نمی‌توان گفت که هیچ خلافی وجود ندارد و صد در صد همه‌چیز درست است. سیستم‌های نظارتی وجود دارند و ما نمی‌توانیم بگوییم چون ممکن است در یک جایی یک اشتباهی بشود پس باید اساسا سپاه مسوولیت‌های خود را نادیده بگیرد. ما در سپاه پاسداران فرماندهی داریم، در عین حال نماینده ولی فقیه و حفاظت اطلاعات را هم داریم. هر کدام از اینها رسالت‌های مشخصی دارند و دقیقا هم تعریف شده که در چه حوزه‌هایی می‌توانند وارد شوند. الان مشکل ما این است که در داخل کشور برخی از جریان‌ها و گروه‌های سیاسی که می‌خواهند راهی متفاوت از انقلاب اسلامی را طی کنند، سپاه را به عنوان یک مانع بر سر راه خود می‌بینند. لذا با هجمه‌های ناجوانمردانه و ایجاد شبهه، درصدد آن هستند که بگویند سپاه خارج از قانون عمل می‌کند، در صورتی که به هیچ‌وجه این‌طور نیست. خود سپاه با متخلفانی که بعضا بوده‌اند برخورد کرده است. شما می‌دانید جریان مهدی هاشمی را سپاه با آن برخورد کرد. در هر نظام و انقلابی ممکن است افراد و جریان‌هایی پیدا شوند که قصد ایجاد انحراف از مسیر انقلاب داشته باشند. مهم این است وقتی مشخص شد فردی می‌خواهد از قانون عبور کند، خود آن سازمان با آن فرد یا جریان برخورد کند. بنابراین اینکه بگوییم چون فلان آقا چنین گفته پس حتما چنین مساله‌یی بوده است اصلا درست نیست. شما ببینید در خصوص مسائل سال ۸۸ سوال من از شما این است که آیا وقایع سال ۸۸ «فتنه» بود یا نه؟ خب جواب بدهید.

■ اینجا من وظیفه‌ام تنها این است که سوال کنم و جواب‌ها را شما باید بفرمایید.

بالاخره این مساله مهمی است چون بسیاری از مسائل در نهایت برمی‌گردد به اینجا که ما حوادث ۸۸ را «فتنه» می‌دانیم یا نه؟

■ اما بحث ما اصلا در مورد سال ۸۸ نیست.

وقتی ما می‌خواهیم عملکرد سپاه را در حوزه‌های مختلف در یک دوره سی و پنج، شش ساله بررسی کنیم نمی‌توان برخی از مسائل را نادیده گرفت و برخی مسائل را بزرگ نمایی کنیم، آن هم در مواردی که پایه و اساس خیلی محکمی ندارد. من می‌خواهم بگویم کسانی که دارند علیه سپاه هجمه و تولید شبهه می‌کنند، عمدتا افرادی هستند که در این سال‌ها یک جاهایی خودشان را نشان داده‌اند که موضع واقعی‌شان چیست. از جمله در سال ۸۸ و همچنین ۱۰ سال قبل از آن یعنی سال ۷۸ بود. اتفاقا همین‌ها می‌آیند دلسوزانه دم از امام می‌زنند و می‌گویند چرا سپاه به وصایای امام عمل نمی‌کند.

■ خب شاید آنها واقعا نسبت به این مساله دلسوز باشند و برای آن هم دلایلی داشته باشند.

نه. دلیل این مساله فقط یک چیز است. دلیلش فقط این است آنهایی که می‌خواهند یک نوع تغییر مسیری را برای انقلاب ایجاد کنند، سپاه را مانع می‌بینند و سپاه هم تا به امروز نشان داده که با شجاعت، صلابت و اقتدار از انقلاب اسلامی دفاع می‌کند و طبق تدابیر و رهنمودهای رهبری عزیزمان، نه دفاع محافظه‌کارانه، بلکه انقلابی دفاع می‌کند؛ ما در پاسداری از انقلاب محافظه‌کار نیستیم. سپاه، پاسدار انقلاب است و از آن، انقلابی دفاع می‌کند و هیچ ملاحظه‌کاری ندارد. اگر این حماسه آفرینی‌ها و جان‌فشانی‌ها نبود در این سی و پنج، شش سال آیا انقلاب با همه این توفان‌ها و رویدادها می‌توانست حفظ شود؟ برای سپاه پاسداران فرقی نمی‌کند کسی که هجوم آورده ماهیت نظامی دارد یا ماهیت غیرنظامی. در قانون اساسی تصریح شده سپاه وظیفه حراست از انقلاب را دارد و نگفته وظیفه دفاع در برابر حمله مسلحانه را بر عهده دارد. اگر تهدید سیاسی بود چه؟ بنده برای شما اثبات می‌کنم که در سال ۸۸ با یک براندازی مواجه بودیم.

■ اما بحث ما اصلا سال ۸۸ نیست و بنا نداریم اینجا به آن بپردازیم.

اتفاقا یکی از مهم‌ترین مسائلی که در مورد سپاه مطرح است و می‌خواهم به آن بپردازم همین مسائل ۸۸ است.

■ بسیار خب به آن هم می‌پردازیم. اما در موردی که گفتید امکان ندارد مقامات نظامی و امنیتی به آن جلسه شورای نگهبان رفته باشند خوب است به مصاحبه‌یی که آقای کدخدایی بعد از اعلام نتایج بررسی صلاحیت‌های شورای نگهبان داشتند اشاره کنیم. ایشان که در آن مقطع سخنگوی شورای نگهبان بودند بدون اینکه نام آقای هاشمی را بیاورند به گفته‌های ایشان اشاره کردند و تلویحا اصل موضوع را تایید کردند و به هیچ‌وجه نگفتند که این اتفاق نیفتاده است بلکه آن حضور را در قالب نظر کارشناسی توجیه کردند و گفتند شورای نگهبان بنا به اقتضائاتی نظر کارشناسی نهادهایی که لازم می‌داند را جویا می‌شود و این مساله هم در همان ساز و کار قرار دارد.

خب این فرق می‌کند. ببینید شورای نگهبان وظیفه دارد احراز صلاحیت افراد را رسیدگی کند و برای اینکه به نتیجه برسد معقول است از هر کسی که صلاح می‌داند اطلاعات جمع کند. شورای نگهبان یک جایگاه رفیعی دارد.

■ اما نکته‌یی که برای افکار عمومی مطرح است نوع مواجهه این مقامات با انتخابات ریاست جمهوری بود. چون آقای هاشمی مسائلی را در سخنان‌شان مطرح کردند که از عزم آن مقامات برای جلوگیری از حضور ایشان به عنوان کاندیدایی که پتانسیل رای آوری بسیار بالایی دارد خبر داد. شما می‌گویید جایگاه شورای نگهبان رفیع است و... خب تردیدی در این مساله نیست. اما آقای هاشمی هم گذشته از سابقه و جایگاه رفیع ایشان در انقلاب و نظام همین الان هم منصوب رهبری در مجمع تشخیص هستند و از سوی ایشان ریاست این نهاد را بر عهده دارند. حالا ایشان چنین مساله‌یی را مطرح کردند و شما ابتدا انکار کردید اما من به سخنان آقای کدخدایی اشاره کردم که الان به نوعی شما هم توجیهاتی که از ایشان گفتم را تکرار می‌کنید.

بالاخره شورای نگهبان ممکن است از وزارت اطلاعات، سپاه یا هر جای دیگری نظر کارشناسی‌شان را بپرسد. شورای نگهبان مسوول احراز صلاحیت افراد برای حضور در انتخابات است و برای این کار نظر کارشناسی می‌گیرد و حتی تحقیقات محلی انجام می‌دهد. شورای نگهبان مسوول احراز صلاحیت است نه هیچ نهاد یا ارگان دیگر، اما چه اشکالی دارد این شورا برای تشخیص خود از سایر نهادها و سازمان‌ها اطلاعات مورد نیازش را دریافت کند.

■ حالا از این بحث بگذریم. خود شما سال گذشته بعد از اعلام نتایج انتخابات با «باشگاه خبرنگاران» مصاحبه‌یی داشتید و آنجا در مقام یک تحلیلگر سیاسی مسائلی را مطرح کردید که حاکی از جهت‌گیری بارز سیاسی شما به سمت اصولگرایان بود. یعنی آنجا شما مطالبی را گفتید که نشان‌دهنده دغدغه شما در مورد پیروزی اصولگرایان بود. شما به عنوان یک شهروند شاید حق داشته باشید تحلیل‌های خود از اوضاع سیاسی و جهت‌گیری به سمت یکی از جریان‌های سیاسی درون نظام را بیان کنید اما اینکه به عنوان یک فردی که با لباس نظامی از شما مصاحبه‌یی منتشر می‌شود که در لید (مقدمه آن) به سمت‌تان به عنوان مشاور نماینده ولی فقیه در سپاه تصریح می‌شود شاید این جهت‌گیری بارز چندان برای افکار عمومی توجیه‌پذیر نباشد هر چند شما می‌گویید سپاه یک مجموعه نظامی نیست.

عرض کردم سپاه یک مجموعه صرفا نظامی نیست. اگر سپاه پاسداران باید در مسائل گوناگون جامعه ورود داشته باشد و از انقلاب دفاع کند نمی‌تواند در این مسائل نظری نداشته باشد. آنچه حضرت امام فرمودند و مقام معظم رهبری هم همین نظر را دارند، این است که ما یک مناطق ممنوعه‌یی را داریم که سپاه و پاسداران نباید به آن ورود پیدا کنند.

■ آن مناطق ممنوعه مشخصا کجاست؟

مثلا من به عنوان یک پاسدار نباید عضو هیچ حزب سیاسی باشم یا زمان انتخابات نباید به عضویت یک ستاد انتخاباتی در بیایم این خلاف است. اما اینکه من نباید عضو یک حزب سیاسی باشم و در انتخابات هم نباید در ستاد کاندیدایی حضور داشته باشم به معنای آن نیست که مسائل سیاسی جامعه را هم نمی‌توانم بفهمم. سپاه پاسداران یک نهاد انقلابی است که در آن نماینده ولی فقیه حضور دارد. در سپاه پاسداران در حوزه نمایندگی ولی فقیه، معاونت سیاسی وجود دارد. فلسفه وجودی این معاونت سیاسی چیست؟

■ اتفاقا سوال من هم از شما همین است و فکر می‌کنم این سوالی است که شما باید جواب آن را بدانید.

بحث من با آقای میردامادی در دوره دوم خرداد و در کمیسیون امنیت ملی مجلس همین بود. آن زمان من مسوول معاونت سیاسی سپاه بودم و آقای میردامادی و آقای رجبعلی مزروعی هم در مجلس بودند که الان آقای رجبعلی مزروعی آن طرف آب هستند و حتما شما این مساله را می‌دانید.

■ البته من نماینده هیچ کسی در اینجا نیستم و...

بله می‌دانم اما خواستم خوانندگان شما هم بدانند که الان آقای مزروعی در آن طرف آب است. خلاصه در آن مقطع آقای میردامادی و مزروعی به «صبح صادق» -نشریه وابسته به سپاه- گیر دادند. آن زمان آقای شمخانی وزیر دفاع بود و این موضوع هم کشیده شد به صحن مجلس و در کمیسیون امنیت ملی هم بحث شد. آقای میردامادی آن زمان سوالی را از من می‌پرسید که معنایش این بود هفته‌نامه «صبح صادق» سپاه باید خنثی باشد. این اتفاقا در راستای همان مساله‌یی است که شما در سوال خود مطرح کردید و گفتید جهت‌گیری روشنی در آن مصاحبه داشته‌ام. من آن زمان به آقای میردامادی -که البته الان ایشان از عناصر «فتنه» و در زندان هستند- گفتم حضرت آقا {مقام معظم رهبری} در مصلای تهران گفتند برخی مطبوعات داخلی کشور به پایگاه دشمن تبدیل شده‌اند. درست است؟ حرف آقا {مقام معظم رهبری} است دیگر. گفتم مگر شما هی نمی‌گویید «قانون قانون» خب این مساله هم توسط ولایت مطرح شده است. از طرفی معاونت سیاسی در سپاه طبق دستور حضرت آقا {مقام معظم رهبری} که اتفاقا مکتوب هم هست وظیفه اطلاع‌رسانی و ارایه تحلیل‌های دقیق و به موقع را بر عهده دارد. حتی تاکید کرده‌اند بسیجیان را باید آماده نگه داشت برای دفاع از انقلاب در صحنه‌هایی که لازم است این کار را انجام بدهند. بعد به آقای میردامادی گفتم من وظیفه دارم که این پایگاه‌های دشمن را در «صبح صادق» به بسیجیان معرفی کنم؛ علی‌القاعده من در مورد روزنامه‌های زنجیره‌یی باید در «صبح صادق» مطلب بنویسم. پشت این روزنامه‌های زنجیره‌یی هم یا حزب مشارکت، یا کارگزاران یا فلان است.

اعتماد
سیاست نامه
info@etemadnewspaper.ir

الان مشکل ما این است که در داخل کشور برخی از جریان‌ها و گروه‌های سیاسی که می‌خواهند راهی متفاوت از انقلاب اسلامی را طی کنند، سپاه را به عنوان یک مانع بر سر راه خود می‌بینند. لذا با هجمه‌های ناجوانمردانه و ایجاد شبهه، درصدد آن هستند که بگویند سپاه خارج از قانون عمل می‌کند، در صورتی که به هیچ وجه این‌طور نیست. هر کسی با دفاع سپاه از انقلاب همراه باشد در این فضا بهره‌مند می‌شود. سپاه؛ پاسدار انقلاب است و از آن انقلابی دفاع می‌کند

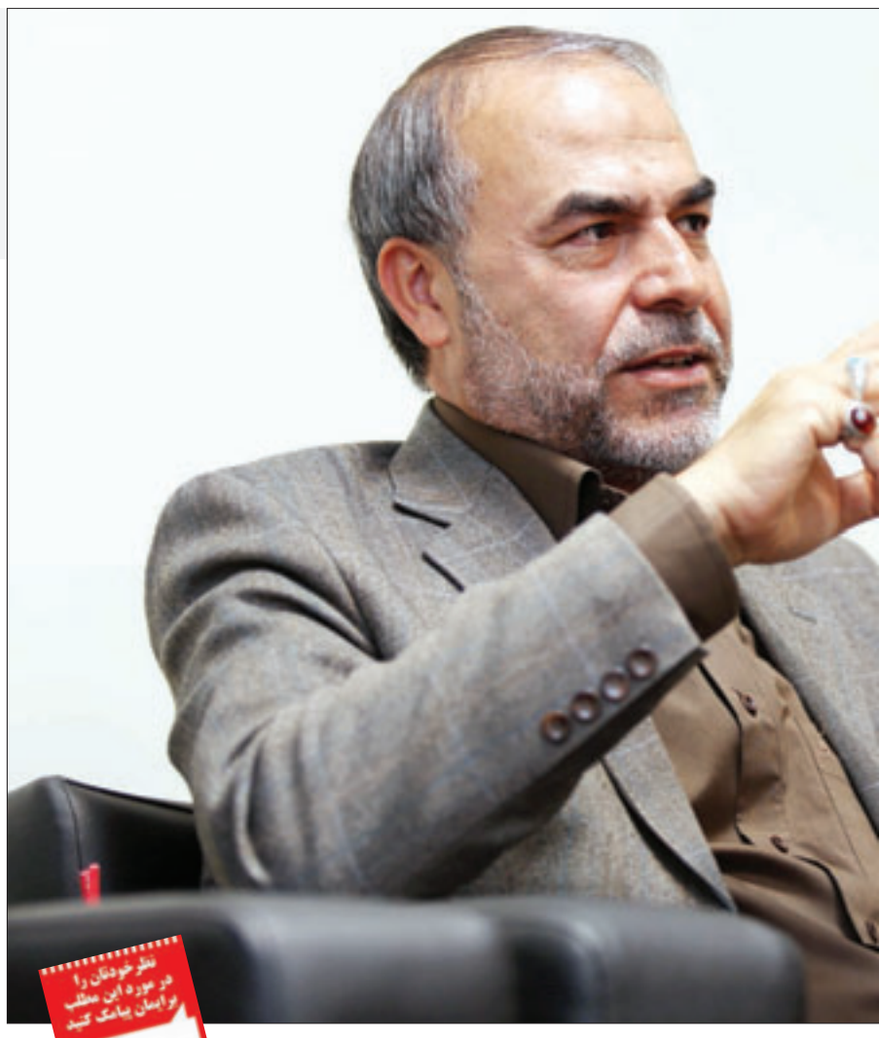

نظر خودتان را در مورد این مطلب برایمان پیامک کنید
۳۰۰۰۴۷۵۳

امد

پیش از آغاز این گفت‌وگو، روابط عمومی سپاه و شخص سردار جوانی شرط کرده بودند تا متن کامل مصاحبه به رویت و تاییدشان برسد. با همکاری خوب مسوولان محترم روابط عمومی سپاه در سریع‌ترین زمان ممکن متن بازبینی شده گفت‌وگو ارسال شد و تقریبا می‌توان گفت هر آنچه در بین ما و ایشان گذشت بدون حذف و اضافه تعیین کننده‌یی پیش روی شما قرار دارد.

بنا داشتیم در این گفت‌وگو به بررسی جایگاه سپاه در قانون اساسی و همچنین مناسبات سپاه و دولت بپردازیم اما سردار جوانی برخلاف خواسته و علاقه روزنامه بیشتر علاقه‌مند بود سمت و سوی گفت‌وگو در جهت انتخابات سال ۸۸ و وقایع بعد از آن باشد، در بین گفت‌وگو نیز سعی کردیم وارد این موضوعات نشویم اما ناخواسته موضوع به سمت حوادث پس از انتخابات ۸۸ کشیده شد.

یدالله جوانی در سال ۴۱ در شهر اصفهان به دنیا آمد و در تابستان سال ۵۹ بعد از دیپلم وارد بسیج می‌شود. وی بعد از اخذ مدرک دیپلم همزمان با درگیری‌های پاوه به مناطق کردستان اعزام می‌شود و مسوولیت بسیج سپاه کردستان را بر عهده می‌گیرد. جوانی در زمستان سال ۵۹ رسما عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌شود و پس از ۲۰ سال به سمت معاون سیاسی سپاه می‌رسد. او در سال ۷۲ مدرک کارشناسی ارشد علوم سیاسی خود را از دانشگاه تهران اخذ می‌کند و در سال ۸۰ از دانشگاه دفاع ملی در مقطع دکترا در رشته مدیریت استراتژیک فارغ‌التحصیل می‌شود.

آغاز دوران معاونت سیاسی جوانی در سال ۷۹ مقارن با سال‌های اول دولت اصلاحات است که وی در خلال همین گفت‌وگو به بیان برخی خاطرات آن دوران و مواجهه‌اش با برخی نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب می‌پردازد. جوانی از سال ۷۹ تا سال ۹۱ در معاونت سیاسی سپاه مشغول به کار بود و در سال ۹۱ مقارن با آخرین ماه‌های دولت محمود احمدی‌نژاد از معاونت سیاسی به سمت مشاور نماینده ولی‌فقیه در سپاه منتقل شد. متن زیر حاصل گفت‌وگوی مفصل ما با سردار یدالله جوانی است.

اعتماد
انفجار شایعه مذاکرات ایران و امریکا
در مورد احمدی‌نژاد علم غیب ندانستیم
۱-آبان-۱۳۹۱

و روشنگری کنیم و این همان کاری است که در حال انجام آن هستیم. اما عجیب است وقتی ما این کار را انجام می‌دهیم همان‌هایی که از مسیر امام فاصله گرفته‌اند به ما هجمه می‌آورند که چرا برخلاف وصایای امام عمل می‌کنید؟ ببینید در مورد «فتنه» ۸۸ اینکه من اصرار می‌کنم مهم است و باید به آن پرداخته شود دلیلش همین است که خیلی از هجمه‌ها علیه سپاه با اشاره به وقایع سال ۸۸ است. خب ما می‌گوییم شما اول توضیح بدهید که داستان «فتنه ۸۸» چه بود. بزرگ‌ترین «فتنه» صدر اسلام در دوران امیرالمومنین کدام «فتنه» بود؟

■ احتمالا منظورتان «جمل» است.

بله. درست است. جنگ جمل با دروغ و اتهام شروع شد. مولا امیرالمومنین را به ناحق و ناجوانمردانه متهم کردند که در قضایای قتل عثمان دست داشتند در حالی که اصلا این‌طور نبود. مفهوم ادعای تقلب و آوردن مردم به کف خیابان این بود که نظام اسلامی را ناجوانمردانه متهم کردند.

■ البته ما اکراه داشتیم از اینکه وارد بحث ۸۸ شویم. چرا که در این مورد برای ما محدودیت‌هایی وجود دارد و نمی‌توانیم خیلی در این مورد بحث را ادامه بدهیم اما ظاهرا شما خیلی مشتاق هستید در این مورد بحث شود. حالا که اصرار دارید اجازه بدهید به اول ماجرا برگردیم و سوالی را مطرح کنم. شما خودتان را نه به عنوان یک پاسدار بلکه به عنوان یک شهروند عادی فرض کنید که قرار است در انتخابات سال ۸۸ شرکت کنید. می‌دانید نهادی وظیفه نظارت بر انتخابات و اعلام نتایج آن را دارد که نامش «شورای نگهبان» است و هم به صورت طبیعی و هم بنابر تصریح قانون باید در طول زمان انتخابات بی‌طرفی خود را نسبت به کاندیداها و جریان‌های سیاسی حفظ کند. اما شما به یک باره می‌بینید برخی از اعضای این مجلس تحت عنوان «جامعه مدرسین حوزه علمیه قم» بیانیه‌یی را صادر می‌کنند و حمایت از یک کاندیدای مشخص را وظیفه شرعی و دینی خود اعلام می‌کنند. حالا شما در قامت آن شهروند عادی چه نظری می‌توانید نسبت به آن انتخابات و داوری نهادی که باید بی‌طرفی خود را حفظ می‌کرده داشته باشید؟

حالا من یک سوال از شما می‌پرسم. اگر برخی اعضای شورای نگهبان تحت عنوان جامعه مدرسین از کاندیدایی حمایت کردند، معنایش این است که آنها می‌آیند رای یازده میلیون نفر را جابه‌جا می‌کنند؟

■ اصلا سوال من این نبود. بحث جابه‌جایی آرا یک مساله ثانویه است. مساله اول طرفداری برخی اعضای نهادی است که قانون بی‌طرفی‌شان را لازمه نظارت بر فرآیند انتخابات دانسته است.

ببینید مساله قضایای سال ۸۸ این بود که گفتند به صورت قطعی یازده میلیون آرای مردم در انتخابات جابه‌جا شده است و مردم به خیابان‌ها بیایید. مستندات این ادعایی که آقای موسوی مطرح کرد و آقای خاتمی و مجمع روحانیون حمایت کردند کجاست؟ صحبت‌های آقای خاتمی و بیانیه مجمع روحانیون هست. آقای موسوی روز شنبه {فردای برگزاری انتخابات سال ۸۸} در مصاحبه‌اش با قاطعیت گفت در انتخابات تقلب شده است و تقلب هم یعنی جابه‌جایی آرا. شب قبل از آن هم گفت گزارشات نشان می‌دهد که آرا به سمت من هست. حالا من از شما می‌پرسم آیا دلایل متقنی برای ایشان وجود داشت که بخواهند کشور را دچار بحران کنند؟ آقای موسوی تحلیل نکرد بلکه قضاوت کرد و گفت من حق مردم را احیا می‌کنم و برای همین هم مردم بریزند به خیابان‌ها. در این سال‌های بعد از انقلاب که این همه انتخابات داشته‌ایم؛ شما تفاوت رفتاری رسانه‌های برون مرزی و شبکه‌های ضدانقلاب را در انتخابات سال ۸۸ با انتخابات‌های قبل از آن مقایسه کنید.

■ چه تفاوتی می‌کرد؟

تفاوتش این بود که در انتخابات ۸۸ رسانه‌های ضدانقلاب همه با رنگ سبز تبلیغ آن جریان را می‌کردند و بعد هم با تکرار ادعای تقلب آمدن پشت قضیه ایستادند. همان رفتاری که رسانه‌های غربی در انقلاب‌های رنگی در اوکراین و گرجستان داشتند را ما اینجا دیدیم.

■ به نظر شما ما می‌توانیم اینجا رفتار رسانه‌های بیگانه را معیار قرار بدهیم؟ اصلا اگر این معیار را اعلام کنیم ممکن است آنها بیایند از کسی که حضورش در هیات حاکمه نظام به نفع شان نیست حمایت کنند تا از این طریق مخالف نظام شناخته شود و نتواند به توفیقی برسد.

ببینید ده‌ها دلیل وجود دارد. من از شما صداقت می‌خواهم که الحمدلله آن را دارید ولی باید شجاعت داشته باشید و آن را اعلام کنید...

■ در مورد صداقت و شجاعت که گفتید...

اجازه بدهید. ببینید اسنادی وجود دارد که به ما نشان می‌دهد درب سفارتخانه‌های کشورهای غربی به روی این جریان‌ها باز بود. خب اینها را چه می‌گویید؟

■ خب آنها کار خودشان را می‌کنند چه ربطی به کاندیداهایی دارد که سابقه‌شان در انقلاب و نظام معلوم است؟ اما واقعا بحث ما اینها نیست. بحث همان چیزی است که از شما پرسیدم و جواب روشنی به آن ندادید. اینکه برخی اعضای شورای نگهبان که باید بی‌طرفی خود را حفظ می‌کردند اطلاعیه دادند و از یک کاندیدا رسما حمایت کردند. این صحبت‌هایی هم که در مورد سفارتخانه‌ها و اینها می‌گویید کاری است که ما در خود انقلاب ۵۷ هم می‌بینیم. مگر خیلی از نیروهای انقلابی در جریان مبارزات خود با برخی سفارتخانه‌ها ارتباط نگرفته بودند؟ مگر اطلاعیه امام خمینی از رادیو بغداد در زمان حکومت حزب بعث و صدام (قبل از انقلاب ۵۷) منتشر نمی‌شد؟

ببینید ما یک اصول و قواعدی را داریم که بر اساس آن حرکت می‌کنیم. بحث ۸۸ را ما به عنوان یک نمونه برجسته مطرح می‌کنیم که بگوییم اصلا نوع نگاه‌مان نسبت به این مساله چیست؟ من اتفاقا از روزنامه «اعتماد» دعوت می‌کنم تا یک بازخوانی از قضایای سال ۸۸ داشته باشیم. چون معتقدم تا این موضوع را فهم نکنیم خیلی از مسائل سیاسی کشور را نمی‌توانیم بفهمیم. اگر ما سال ۷۶ تا ۸۴ را در نظر بگیریم جریانی که آمده بود تحت عنوان اصلاحات و جامعه مدنی -البته منظورم اصلا همه اصلاح‌طلبان نیست، ما داریم افرادی را که در دوره‌یی به اصلاح‌طلبان هم رای داده‌اند اما بعد که متوجه شده‌اند چه کسانی به دنبال چه اهدافی هستند مسیرشان را عوض کرده‌اند- چه اقداماتی را در کشور کردند. من معتقدم سپاه پاسداران باید خیلی هوشمندانه صحنه را رصد بکند و مقتدرانه از انقلاب دفاع کند. این دفاع هم می‌تواند در حوزه‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باشد، چرا که ما باید با تهدیدات نرم و سخت مقابله کنیم. وقتی ما تهدیدات نرم را علیه نظام شاهد هستیم پس لازم می‌دانیم که ورود کنیم حالا ممکن است این ورود همراه با برخی اشتباهات هم باشد کما اینکه ممکن است در دفاع نظامی هم اشتباهاتی انجام شود. اما این اشتباهات تاکتیکی است نه اشتباه در راهبرد.

■ اما به نظر می‌رسد برخوردهای دوگانه وجود دارد.

من نمی‌خواهم راجع به افراد صحبت کنیم. ببینید من گفتم به شورای نگهبان جفا نکنیم و معتقدم به سپاه هم نباید جفا شود اصلا به هیچ نهادی نباید جفا کنیم.

■ اما برخوردهای دوگانه را چطور می‌توان توجیه کرد؟ در مورد دولت اصلاحات می‌گویید چون رییس‌جمهورش علیه فلان روزنامه‌نگار موضع صریح نگرفته و بعد هم آن را رسما اعلام نکرده است چنین و چنان است. اما آیا واقعا ما همین رویکرد را در مواجهه سپاه با آقای احمدی‌نژاد و اطرافیان به‌شدت پرحاشیه‌اش هم دیدیم؟ گنجی فقط یک روزنامه‌نگار بود که ربطی به دولت اصلاحات نداشت و...

اما یک زمانی همین آقای گنجی پیش‌قراول بسیاری از نشریات اصلاح‌طلب بود.

■ خب او روزنامه‌نگار بود و تحلیل‌های خودش را داشت ولی هیچ سمت رسمی در دولت نداشت. اما شما از جایگاه رسمی و غیر رسمی مشایی در دولت آقای احمدی‌نژاد مطلع هستید. اگر گنجی در مورد بنیانگذار جمهوری اسلامی سخنی که شما نقل کردید را گفته است مشایی اسلام‌گرایی را با اسب سواری مقایسه می‌کند و نتیجه می‌گیرد که دوران هردوی آنها به سر آمده است. آیا برخورد سپاه با این قضیه همان برخوردی بود که با نیروهای اصلاح‌طلب شد؟ خب این سوال وجود دارد چرا در مورد کسانی که از «دوستی با مردم اسراییل، پایان دوران اسلام‌گرایی، تاکید بر بهار انسانی به جای بهار اسلامی» و موارد متعدد دیگر سخن گفتند آنقدر با تساهل برخورد شد؟

نخستین موضعی که از آقای مشایی بازتاب گسترده‌یی در رسانه‌ها داشت و نیروهای ارزشی در برابر آن موضع گرفتند اظهارنظری بود که ایشان در مورد دوستی با مردم اسراییل داشت. بنده در هفته‌نامه «صبح صادق» همان موقع مقاله‌یی را با عنوان «سخنان بی‌بنیان» منتشر کردم. من گفتم آقای مشایی سخنانش بنیان ندارد و سخنان ایشان هم یک انحراف است. بعد هم که در مورد انتصاب آقای مشایی به سمت معاون اولی ریاست‌جمهوری بحث شد و نامه حضرت آقا {مقام معظم رهبری} منتشر شد باز مقاله‌یی نوشتم با عنوان «پیامی که روحش درک نشد». اینکه می‌گویم صادقانه و منصفانه مسائل را ببینیم به این دلیل است.

■ البته منظورم بیشتر برخوردهای قضایی و شبه‌قضایی در این خصوص بود که...

هر چیزی جایی دارد. ما باید با هر مساله‌یی متناسب با آن برخورد کنیم. بنده چند تحلیل در مورد «جریان انحرافی» و آقای مشایی نوشته‌ام. وقتی سپاه تاکید دارد که پاسدار انقلاب است و با هیچ گروهی عقد اخوت نبسته است را ما امروزه می‌بینیم. هر چه در جامعه ما شخصیت‌ها و جریان‌ها بیشتر در مسیر انقلاب در حال تلاش و تکاپو باشند احساس آرامش جامعه بیشتر است. اما اگر سپاه ببیند کسانی یک حرفی می‌زنند و در عمل می‌خواهند کار دیگری انجام بدهند قطعا هشیارانه عمل خواهد کرد. حالا ممکن است این مساله در یک جایی با تاخیر فهم شود. خب ما این مساله را می‌پذیریم. وقتی کاری با این عظمت در حال انجام است ممکن است اشتباهاتی هم انجام شود. درست مثل این می‌ماند که شما به همراه تیمی بروید در یک منطقه زلزله زده و بخواهید به زیر آوار مانده‌های آنجا کمک کنید. خب کار بزرگی است اما ممکن است برای نجات افراد شما در تلاش‌های خودتان یک اشتباهی هم انجام بدهید که منجر به زیر آوار رفتن و مرگ ۱۰ نفر بشود. قصد شما نجات بوده اما سهوا ممکن است این اشتباه را انجام بدهید. به نظر من این قصد و نیت خیلی مهم است و سپاه پاسداران هم همین رویکرد را دارد.

■ اما خب این سوال وجود دارد چرا سپاه همواره با همه دولت‌ها مشکل داشته است. از دولت سید محمد خاتمی تا دولت محمود احمدی‌نژاد که هر کدام‌شان در یک افق سیاسی بودند سپاه با آنها بالاخره به مشکل بر می‌خورد. به مواجهه سپاه با دولت اصلاحات خودتان اشاره کردید و در مورد آقای احمدی‌نژاد هم حتما اظهاراتی نظیر «برادران قاچاقچی» و... که توسط ایشان مطرح می‌شد را به یاد دارید. هیچ‌وقت برای شما این سوال نبوده که دلیل بروز این اختلافات ممکن است این باشد که سپاه دقت لازم را در تنظیم رابطه خود با دولت‌ها نداشته است؟

من فکر می‌کنم شما خودتان جواب خودتان را دادید. ببینید شما اول می‌گویید چرا با آقای مشایی برخورد نشد و بعد الان می‌گویید که چرا این مسائل پیش آمد. ببینید سپاه از یک مسیری باید دفاع کند و آن هم اسلام ناب با آن مختصاتی است که حضرت امام فرمودند. اولا که سپاه با همه دولت‌ها روابط خوبی داشته، به آنها کمک کرده و خواهد کرد. وقتی بحث حاکمیتی مطرح است همه نهادها و سازمان‌ها را در یک مجموعه و سرنوشت همه آنها را مشترک می‌دانیم. شما باید بروید بررسی کنید که چرا فلان جا سپاه چنان موضعی را گرفته و بعد طرف مقابل چرا آن موضع را گرفته است؟ باید بپرسیم آیا سپاه موضعی که گرفته در راستای رسالتش نسبت به انقلاب بوده یا نه؟ و بعد این را هم بدانیم که اگر سپاه آن موضع لازم را در وقتی که ضرورت دارد نگیرد بعدا نمی‌تواند در برابر اتفاقاتی که ممکن است برای انقلاب اسلامی واقع شود پاسخگو باشد. سپاه پاسداران یک نهاد مردمی است و با مردم هم خواهد بود و موفقیتش هم در گرو همین مردمی بودن است. از طرف دیگر ما بسیج را با آن جمعیت بسیار بالا داریم. نکته دیگری که وجود دارد بحث «بصیرت» است که می‌دانید از سال ۸۸ به بعد خیلی مورد تاکید مقام معظم رهبری قرار گرفت و روی این مساله خیلی بحث شد که اگر جامعه‌یی بصیرت نداشته باشد چه پیامدهایی برایش ممکن است داشته باشد. خب وظیفه سپاه این است که تحلیل ارایه دهد و اگر ببیند در یک جایی اتفاقاتی در حال انجام است که می‌خواهد مسیر انقلاب را منحرف کند واکنش نشان دهد و اطلاع‌رسانی کند. شما نباید این مساله را به پای مقابله بگذارید. ببینید الان در بحث مذاکرات هسته‌یی حضرت آقا {مقام معظم رهبری} می‌فرمایند حل مشکلات کشور را به مذاکرات هسته‌یی گره نزنید. چون اگر این‌طور باشد آنها سوءاستفاده می‌کنند و حضرت آقا {مقام معظم رهبری} هم فرمودند که اینها لحن‌شان گستاخانه‌تر شد. سیاست نظام مذاکره است اینکه فقط خواست این دولت نیست اما باید هوشمندانه باشد. حالا اگر جریان‌هایی بیایند که در گذشته هم سابقه‌یی دارند بخواهند مسائلی را مطرح کنند قطعا اینجا سپاه باید تحلیل بدهد و موضعش را اعلام کند. اما به صورت موردی ممکن است یک اشتباهی هم صورت گرفته باشد و مثلا وقتی شما یک موردی را بحث می‌کنید ممکن است من هم بگویم بله اینجا اشتباهی واقع شده است. ما اصراری نداریم که اشتباهات را نپذیریم اتفاقا انسان فهمیده کسی است که اشتباهات خود را بپذیرد.

■ الان نظر شما در مورد رسانه‌های وابسته به سپاه که از بودجه عمومی ارتزاق می‌کنند و رویکردشان نسبت به دولت چیست؟ شما حتما از سوگیری‌های این سایت‌ها و خبرگزاری‌های متعدد نسبت به اقدامات کوچک و بزرگ دولت مطلع هستید تا جایی که سرلشگر فیروزآبادی رییس ستاد نیروهای مسلح هم به آنها هشدار دادند اما ظاهرا آن تشر هم نتوانست اصلاحی در رویه‌شان ایجاد کند.

ببینید اینکه بخواهم اینجا قضاوت کنم نیازمند یک بررسی همه‌جانبه است. آنچه سرلشگر فیروزآبادی گفتند هم یک مساله‌یی است که برای همیشه است و اصلا این دولت و آن دولت ندارد.

■ البته این مورد را آقای فیروزآبادی مشخصا در مورد نوع رویکرد رسانه‌های وابسته به سپاه به دولت آقای روحانی گفتند

باشد اما این مساله کلی است که به هیچ عنوان رسانه‌یی نباید مطلبی که خلاف است را به کسی یا دولتی نسبت بدهد. حالا چه این دولت، چه آن دولت، چه دولت آقای روحانی، چه دولت آقای احمدی‌نژاد، چه قوه مجریه، چه قوه مقننه باشد. ما اعتقاد داریم نباید نشر اکاذیب کرد و وظیفه خودمان را حمایت از دولت‌ها می‌دانیم. اما از آن طرف حضرت آقا {مقام معظم رهبری} می‌فرمایند که حمایت از دولت‌ها به معنای نقد نکردن آنها یا مخالفت با یک سیاست نیست. فرمودند که تخریب نباید صورت بگیرد. اگر یک وقتی کسی داشت تخریب می‌کرد خب... البته مشخص کردن مرز تخریب و انتقاد هم کار دشواری است.

■ اما ظاهرا این قضاوت سخت و تصمیم‌گیری برای برخورد با روزنامه‌های اصلاح‌طلب خیلی آسان انجام می‌شود.

نه این‌طور نیست. ببینید وقتی ما می‌خواهیم بحث سپاه را مطرح کنیم باید از رسانه‌های رسمی آن را معیار قرار بدهیم. حضرت آقا {مقام معظم رهبری} اخیرا فرمودند دولت باید صدای واحدی داشته باشد و فلسفه سخنگوی دولت هم همین است. حالا اگر یک مدیری هم جایی حرفی بگوید نباید به پای دولت نوشت. در مورد سپاه هم همین‌طور است. اینکه شما می‌گویید این همه رسانه وابسته به سپاه و اینها... ممکن است خیلی از اینها اصلا بسیجی باشند و نه سپاهی. ما آن چیزی را باید معیار قرار بدهیم که روابط عمومی سپاه منتشر و سردار شریف به عنوان سخنگوی سپاه اعلام می‌کند. سایت سپاه نیوز رسانه رسمی ما است اما...

■ شما اکبر گنجی در کنفرانس برلین را دلیل برخوردهای خود با دولت اصلاحات می‌دانید آن‌وقت اینجا می‌فرمایید فقط سایت سپاه باید معیار باشد؟

به دلیل اینکه آن افراد با تابلوی اصلاحات رفتند آنجا و... شما بیانیه حزب سبزهای آلمان را ببینید.

■ خب مثل این می‌ماند که بگوییم چرا آقای طائب، رییس شورای مرکزی قرارگاه عمار وقتی گفت سوریه استان سی و پنجم ما است و نسبت به استان خوزستان هم برای ما اولویت دارد چرا سردار جوانی نسبت به این مساله موضع نگرفتند و آن را صراحتا اعلام نکردند؟

ببینید بحث این است که در کنفرانس برلین یک تابلویی مطرح شد و یک فضایی به وجود آمد که... شما سال ۷۸ را به یاد دارید. در سال ۷۸ یک جریانی اصرار داشت که بگوید چندین نفر کشته شدند؛ اسامی می‌زدند، پیام صادر می‌کردند و این جریان‌ها به اتاق‌هایی در سیستم دولت وصل بودند.

■ خب ایرادش چیست؟

ایرادش این است وقتی افرادی کشته نشده‌اند چرا باید این فضا را به وجود آورد و دانشگاه‌ها را تحریک کرد؟

■ یعنی شما می‌گویید اصلا کسی کشته نشده بود؟ پس قضیه قتل‌های زنجیره‌یی و کشته شدن مرحوم فروهر و همسرو...

منظورم اصراری بود که وجود داشت تا نشان دهد افرادی در حادثه کوی دانشگاه کشته شده بودند که در واقع این اتفاق نیفتاده بود.

■ خب کوی دانشگاه هم بعد از رسانه‌یی شدن قتل‌های زنجیره‌یی به وجود آمد. چه ایرادی دارد اگر کسانی که با نهاد ریاست جمهوری ارتباط داشتند پیگیر جنایاتی باشند که در قتل‌های زنجیره‌یی واقع شد؟

نه. اینها اسامی دانشجویان را به عنوان کشته‌شدگان آن حوادث اعلام می‌کردند. اینکه افرادی بیایند در دانشگاه و آنجا را سیاه‌پوش کنند و به دروغ نام افرادی را به عنوان کشته‌شدگان اعلام کنند چه نتیجه‌یی می‌تواند داشته باشد؟

■ خب اینجا هم از جهتی شبیه به قضایای سال ۸۸ است. یعنی شما تنها به آن بخش ثانویه که به تبع اتفاق اول رقم خورد توجه می‌کنید. وگرنه ماجرا از آنجا شروع شد که تعدادی از شهروندان کشور توسط افرادی که در نهادهای امنیتی مسوولیت داشتند به قتل رسیده بودند و دانشجویان هم از این اتفاق عصبانی بودند. حالا اینکه آیا در اتفاقات بعد از آن نام کسی که واقعا کشته شده باشد یا نه یک بحث ثانویه است.

نه بحث ما اسامی دانشجویان است که این تعداد کشته شدند. یعنی می‌خواهم بگویم همه از اینکه کشور ما امنیت و آرامش داشته باشد بهره‌مند هستند. چه کسانی می‌خواهند امنیت ما بر هم بخورد؟ قطعا امریکایی‌ها و صهیونیست‌ها خواهان آن هستند. حالا چرا یک عده‌یی دنبال این هستند که در یک برنگاه‌هایی آرامش کشور را بر هم بزنند؟ در سال ۷۸ همین بود؛ در سال ۸۸ هم همین بود. در اجلاس برلین حزب سبزهای آلمان رسما بیانیه داد که در ایران نیروهایی هستند که خواهان تغییر بنیادین در نظام سیاسی هستند و ما باید از این فرصت استفاده کنیم. بعد هم این ارتباطات و پیوندها برقرار شد. شما می‌دانید بعضی از کسانی که در آن سال‌ها در روزنامه‌های دوم خردادی مشغول بودند حالا در شبکه‌های «بی.بی.سی»، «وی.او.ای» و «من و تو» مشغول به کار هستند. خب این ارتباطات چگونه برقرار شد؟ هم شما می‌شناسید و هم ما می‌شناسیم افرادی را که تا دیروز در روزنامه‌های زنجیره‌یی بودند و الان در حال همکاری با رسانه‌های بیگانه هستند.

■ خب من قرار نیست اینجا رفتار کسی را توجیه کنم اما این واضح است وقتی کسانی اینجا به دلیل توقیف‌های متعدد و تحت فشار قرار داشتن، کار خود را از دست می‌دهند مجبور به مهاجرت می‌شوند و برخی شان ممکن است به رغم میل باطنی با رسانه‌هایی کار کنند که متعلق به کشورهای بیگانه هستند. به هر حال خوب است از فرصت استفاده کنم و خدمت شما این مساله را مطرح کنم که تامین معیشت برای روزنامه‌نگارانی که در روزنامه‌های اصلاح‌طلب کار می‌کنند اصلا ساده نیست. نه امنیت شغلی دارند و نه... حالا وقتی همین فضای نیم بند هم در مقاطعی بسته‌تر می‌شود شاید طبیعی باشد که عده‌یی برای یافتن بازار کار به خارج مهاجرت کنند.

یعنی واقعا برود آن طرف و به ملتش خیانت کند؟

■ بحث خیانت را شما مطرح می‌کنید وگرنه باید گفت کسانی که بیانیه بنیانگذار جمهوری اسلامی را قبل از انقلاب از رادیو بغداد می‌خواندند هم خائن بودند. اما واقعیت این است که نظام پهلوی هر نوع تریبونی را از انقلابیون دریغ کرده بود و برای همین آقای دعایی اطلاعیه‌های ایشان را از رادیو بغداد قرائت می‌کرد.

ببینید کسی تریبون را از آنها نگرفت اما آنها راه را اشتباه رفتند.

■ خب این را هر کسی می‌تواند در واکنش به مخالفانش بگوید. شاه هم شاید چنین توجیهی برای محدودیت‌هایی که در مورد انقلابیون اعمال می‌کرد، داشت.

ببینید بحث یک مطلب بیشتر نیست. این کشور با یک انقلاب مردمی از نظام سلطه نجات پیدا کرده است و نظام سلطه هم در طول این سی و شش سال گذشته در حال تکاپو بوده تا دوباره برگردد. الان شما خودتان یک بررسی کنید ببینید امروز چند نفر از اصلاح‌طلبان در لیست تحریم‌های غربی‌ها هستند؟ واقعا در این لیست‌های تحریم چند اصلاح‌طلب وجود دارد؟ وقتی صهیونیست‌ها می‌گویند جنبش سبز در ایران سرمایه ما هستند، وقتی آقای مهاجرانی، سروش، کدیور و... به کشورهای غربی می‌روند راهی را دارند می‌روند که نهضت آزادی می‌رود. امام گفتند نهضت آزادی اگر سر کار بیاید امریکا را بر می‌گرداند. امروز کسانی به نام اصلاح‌طلبی در کشور ما فعالیت می‌کنند که همان راه نهضت آزادی را می‌روند.

■ اما اینکه اگر کسی اینجا حرفی بگوید و آنجا کسانی از آن استفاده کنند دلیل بر غلط بودن آن حرف نیست.

اما امام یک جمله‌یی دارند که می‌فرمایند زمانی که دشمن از شما تعریف کرد به خودتان شک کنید.

■ ولی برای فهم این جمله ایشان هم باید دقت بیشتری داشته باشیم وگرنه معاویه هم از حضرت امیر تعریف کرده است. اما آقای محمد مطهری یک بار در مورد این جمله بنیانگذار جمهوری اسلامی گفتند نباید برای جلوگیری از شادی‌های کوتاه‌مدت دشمن، شادی‌های بلندمدت آنها را رقم زد. ضمنا شما می‌دانید افراد، روزنامه‌ها و تحلیلگرانی در امریکا هستند که بر خلاف هیات حاکمه این کشور موضع‌گیری‌های تندی دارند و خیلی وقت‌ها آن را رسانه‌یی می‌کنند و گاهی حتی موضع‌گیری آنها به تیتر «کیهان» در کشور ما تبدیل می‌شود. اما آیا واقعا مخالفان دولت اوباما، حکومت امریکا و اساسا نظام سرمایه‌داری به دنبال خوشحال کردن «کیهان» هستند یا در جهت منافع ملی تشخیص خودشان را بیان می‌کنند؟ آنها می‌دانند ممکن است مواضع‌شان خوشایند برخی کشورهای مخالف امریکا باشد اما آن را منعی برای بیان انتقادات خود نمی‌دانند. آیا شما معتقدید چون خصومتی بین نظام‌های سیاسی امریکا و کشور ما وجود دارد اگر آنها انتقادات خود را علیه هیات حاکمه امریکا مطرح کنند به کشورشان خیانت کرده‌اند؟ در غیر این صورت چرا این روش نباید در کشور ما به رسمیت شناخته شود؟

این رویه در کشور ما هم به رسمیت شناخته شده است. الان شما رسانه‌های آنها را بررسی بکنید. این را هم باید بدانیم که ایران یکی از آزادترین کشورهای جهان است اما نکته این است که بین آزادی بیان و رفتن به سمت نوعی براندازی تفاوت وجود دارد. بنده می‌خواهم بگویم تا زمانی که بحث بیان است یک مساله است اما وقتی حادثه‌یی مثل کوی دانشگاه درست می‌شود و یک سناریو پیاده می‌شود، مساله دیگری است. «بصیرت» این است که ما بدانیم در سال ۷۸ بالاخره چه اتفاقی افتاد؟ آنهایی که شما می‌گویید علیه دولت اوباما هر نقدی بخواهند می‌نویسند، اما کسی طرح براندازی نظام امریکا و شورش در خیابان‌های آن را ندارد. اتفاقا در آنجا اگر کسی این کار را انجام بدهد هم با او برخورد می‌کنند و هم به زندان محکوم می‌شود.

■ اما آن برخورد حتما قانونی خواهد بود دیگر؟ یعنی در موعد مشخص با حکم قانونی بازداشت و بعد هم در زمان مقرر تفهیم اتهام می‌شود و نهاد مشخص و تعیین شده‌یی مسوول رسیدگی به وضعیت آن متهم است که طبعا پاسخگوهم هست...

بله درست است. در کشور ما هم قطعا مسوول این بخش دستگاه قضایی است اگر هم مساله‌یی وجود دارد باید از دستگاه قضا سوال شود. من نمی‌خواهم بگویم باید فراتر از قانون عمل کنیم. ما حتما باید طبق قانون عمل کنیم. اصرار امام و رهبری هم عمل بر قانون بوده است اما بین آزادی بیان و توطئه خیلی فرق است. اینکه کسانی بیایند بر اساس حرف‌های دروغ سیاه نمایی کنند و بگویند این تعداد آدم کشته شده‌اند، این ظلم به دانشجویان هم بود. هست یا نیست؟ شما بروید خبرگزاری‌های «ایرنا» و «ایسنا» را در آن مقطع یک بازخوانی بکنید و رویکردشان را نسبت به آن قضایا ببینید. ببینید کار آنها تحریک بود یا نه؟ در حالی که در هیچ کشوری کسانی که در قدرت هستند به دنبال آن نیستند که وضعیت ثبات کشور را به هم بزنند. ببینید سپاه وظیفه دارد از کشور، انقلاب و نظام دفاع کند. اگر انقلاب تا دهه چهارم جلو آمده است به خاطر وجود افرادی است که جانانه ایستاده‌اند و از نظام دفاع کرده‌اند. حالا اینکه یک فردی در یک جایی خطایی کرده باشد را نباید به پای یک مجموعه بنویسیم. در صورتی که برخی‌ها می‌خواهند بگویند اساس حرکت سپاه در این مسیر خلاف است.

■ خب اگر کسی چنین تلقی‌ای دارد شاید به این خاطر است که برداشتش از وصیتنامه بنیانگذار جمهوری اسلامی با شما متفاوت بوده است.

ببینید آیا واقعا تهدید نرم و سیاسی وجود دارد یا نه؟

■ اما شما دارید در مورد نیروهایی صحبت می‌کنید که زیر چتر این نظام هستند و خودشان در تاسیس و دوام آن نقش زیادی داشته‌اند. از این نیروها کسی هم نگفته ما خواهان براندازی هستیم. نه آقای خاتمی و نه دیگران این حرف را نگفته‌اند. حالا شما شاید بگویید در مکنونات قلبی‌شان این وجود دارد اما به زبان نمی‌آورند. اما واقعا چنین قضاوتی و بعد بر مبنای این قضاوت عمل کردن روش پیامبر اسلام هم نبود. چنانچه ایشان تنها به شهادتین زبانی افراد بسنده می‌کردند و آیا ما کسی را بالاتر از پیامبر داریم که رویه‌اش را بخواهیم در نظام اسلامی الگوی خودمان بدانیم؟ حالا این سوال مطرح است چرا در برابر نیروهایی که رسما اعلام کرده‌اند ما نظام جمهوری اسلامی، ولایت فقیه و مصداق فعلی آن را قبول داریم سپاه باید موضع‌گیری داشته باشد؟

شما پیوند ملی مذهبی‌ها و نهضت آزادی‌ها را با مطبوعات اصلاح‌طلب قبول دارید؟

■ ولی به نظر می‌رسد این زاویه نگاه چندان دقیق نیست. اتفاقا برخی اصلاح‌طلبان هم وقتی می‌خواهند بخشی از اصولگرایان را متهم به زاویه داشتن با انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی کنند، می‌گویند آنها به انجمن حجتیه نزدیک هستند.

ما اصلا بحث حزب را نداریم بلکه بحث اندیشه، تفکر و اعتقاد را داریم. امروز ممکن است کسانی به اصول نظام معتقد باشند ولی فردلباشند.

■ این مساله را باید از روی تابلویی که دارند و آنچه رسما اعلام می‌کنند، تشخیص داد.

والبته همین‌طور از عمل‌شان. عمل افراد هم خیلی مهم است.

■ در عمل هم آقای خاتمی مانند سایر شخصیت‌های درون نظام در همین مورد اخیر بعد از عمل جراحی موفق رهبری بیانیه صادر کردند و سلامتی ایشان را از خدا خواستند.

ولی همین آقای خاتمی بعد از ادعاهای آقای میرحسین محکم کنار ایشان ایستاد در حالی که آقا {مقام معظم رهبری} در آن خطبه آن صحبت‌ها را فرمودند. در سال ۸۸ مواضع آقا {مقام معظم رهبری} مشخص بود. این در حالی است که اینها در محاف